

تخریب ۶۰درصدی تنها بیمارستان سوختگی تهران زیر آوار ترکش‌های یک‌تا۱۵ کیلویی

رئیس بیمارستان مطهری: در پی حملات نزدیک بیمارستان ترکش‌هایی از یک تا ۱۵ کیلوگرم در بیمارستان داشتیم و در صورتی که بیمارستان از روز قبل خالی نمی‌شد بیماران تعداد زیادی از بیماران را موجب می‌شد

بیمارستان شهید مطهری تنها مرکز تخصصی درمان بیماران سوختگی در تهران است که بیش از ۶۰درصد آن در جنگ اخیر تخریب شد و اگر تصمیم در‌سست مدیران در تخلیه این بیمارستان در همان روز اول جنگ تحمیلی سوم نبود، روز دوم جنگ در پی حملات در نزدیکی بیمار‌سستان که ترکش‌هایی از یک تا ۱۵ کیلوگرم به بیمارستان اصابت کرد، تعداد زیادی از بیماران می‌شدند. حالا بیمارستان مطهری نیاز به بازسازی دارد و در عین حال یک بیمارستان تخصصی سوختگی دیگر در غرب تهران ۲۰ سالی می‌شود که در حال ساخته شدن است، اما تکمیل ساخت این بیمارستان و بازسازی بیمارستان شهید مطهری نیازمند همراهی مردم و خیرین و البته عزم جدی دولت است. خیابان ولیعصر تقاطع خیابان شهید یاسمی، جمعی از مراکز پزشکی و خدماتی است؛ از مرکز خدمات توانبخشی هلال احمر گرفته تا بیمارستان حضرت ولیعصر، بیمارستان سوختگی شهید مطهری و هم‌چنین بیمارستان خاتمالانبیا. بر اساس تمام قوانین بین‌المللی هم‌چنین مکان‌های خط قرمز حملات در محاصره‌های مسلحانه محسوب می‌شوند، اما هم در جنگ ۱۲ روزه و هم در جنگ رمضان شاهد حملات متعدد دشمن امریکایی -صهیونیستی به این محدوده بودیم که موجب شد مراکز درمانی و توانبخشی این منطقه دچار آسیب‌های جدی شوند. یکی از این مراکز هم بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری است که بنا به تأکید رئیس این بیمارستان اگر بیمارستان تخلیه نشده‌بود، دست کم ۵۰ تن از بیماران و پرسنل بیمارستان شهید می‌شدند. حالا هم بیش از ۶۰درصد است بیمارستان سوانح سوختگی مطهری که یکی از اصلی‌ترین مراکز درمان سوختگی در کشور است، تخریب شده برای ادامه فعالیت‌ها نیاز به بازسازی جدی دارد.

■ تنها بضاعت درمان سوختگی تهران از زده خارج شد
سالانه حدود ۳۰۰ هزار نفر در ایران دچار سوختگی می‌شوند. انطور که مصطفی ده مرده‌ای، رئیس بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری می‌گوید میزان بروز سوختگی در ایران ۱۳ برابر کشور‌های پیشرفته است. اغلب سوختگی‌ها در مکان‌هایی اتفاق می‌افتد که سطح ایمنی پایینی دارند؛ بنابراین اماکنی که از تجهیزات آتش‌نشانی و پیشگیری از سوختگی محروم هستند، میزان سوختگی بیشتری دارند. از سوی دیگر بیماران سوختگی هزینه‌های بالایی دارند و بیماری‌انی که با این عارضه درگیر می‌شوند ممکن است سال‌های سال از عوارض آن رنج ببرند. به همین خاطر هم پیشگیری در درجه اول و درمان این عارضه از اهمیت بالایی برخوردار است. دشمن امریکایی -صهیونیستی اما به تنها چیزی که فکر نمی‌کند مبنای و خطوط قرمز اولیه انسانی است. به همین خاطر هم یکی از اماکنی که هم در جنگ ۱۲ روزه و هم در جنگ رمضان مورد تهاجم قرار گرفته آسیب دید، اما نقاط مجاور بیمارستان شهید مطهری است. مصطفی ده‌مرده‌ای در نشست خبری بر گزار «پویش جان نو» با هدف بازسازی واحیای بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری که در جنگ تحمیلی آسیب‌دیده، درباره وضعیت بیماران سوختگی اینگونه توضیح داد: «بیماران سوختگی هزینه‌های بسیار بالایی دارند و به همین دلیل ارائه خدمات درمانی در بخش دولتی به این بیماران اهمیت ویژه‌ای دارد، تنها بضاعت درمان سوختگی تهران، بیمارستان

شهید مطهری بود که سال ۱۳۵۲ افتتاح شد و ۱۰۰ تخت فعال و ۱۴ تخت آی‌سی‌وی داشته که بدحال‌ترین بیماران از تمام ایران به ما مراجعه می‌کنند.» وی افزود: «ما چهار اتاق عمل سوختگی، دو بخش ترمیمی، پنج بخش بالینی و شش درمانگاه تخصصی درمان سوختگی داشتیم که این بخش‌ها در پی حملات دشمنان بالای ۶۰درصد صدمه دیده‌اند.»

■ ترکش‌های یک تا ۱۵ کیلویی بر سر بیمارستان شهید مطهری ا

رئیس بیمارستان سوانح سوختگی شهیدمطهری ادامه داد: «در جنگ تحمیلی سوم در روز اول که حمله به کشور صورت گرفت، احساس نیاز کردیم که باید بیمارستان را تخلیه کنیم تا در صورت حمله به محدوده بیمارستان، بیماران دچار آسیب نشوند. در روز دوم جنگ در پی حملات نزدیک بیمارستان ترکش‌هایی از یک تا ۱۵ کیلوگرم در بیمارستان داشتیم و در صورتی که بیمارستان از روز قبل خالی نمی‌شد، باعث شهادت تعداد زیادی از بیماران می‌شد.» بنا به تأکید ده‌مرده‌ای در صورتی که بیمارستان تخلیه نمی‌شد احتمالاً بالای ۵۰ نفر شهید می‌شدند.

گزارش «جوان» از عشق به امام‌حسین(ع) در نگاه و زبان بچه‌های خانه حنیفا

هیئتی کوچک‌بادل‌هایی به‌وسعت آسمان



که به گفته مریم برای خود بچه‌هاست و توسط آنها مدیریت می‌شود: «در ایستگاه صلواتی هر کس بخشی از کار را انجام می‌دهد، یکی شربت آماده می‌کند، دیگری لیوان‌ها را توزیع می‌کند و برخی نیز سب از پایان مراسم در جمع آوری و مرتب کردن وسایل کمک می‌کنند.»

■ رقابت برای خادمی

در خانه حنیفا، خدمت کردن آن قدر دوست‌داشتنی است که گاهی خودش به موضوع رقابت تبدیل می‌شود. این را آر تین میرزایی، نوجوان ۱۴ ساله این مجموعه می‌گوید: «محرّم در خانه حنیفا برای من بسیار دوست‌داشتنی است، زیرا همه چیز آن با مشارکت خود بچه‌ها شکل می‌گیرد. جالب اینجاست که گاهی برای خادم شدن در مراسم، میان بچه‌ها رقابت به وجود می‌آید، چون همه دوست دار ند سهمی در خدمت به مجلس امام‌حسین(ع) داشته باشند.» یکی علاقه‌مند است جای توزیع کند، دیگری می‌خواهد کفش‌ها را مرتب کند و فردی دیگر دوست دارد در ایستگاه صلواتی فعالیت داشته باشد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم یک روز مسئولیت خدمت بر عهده دختران باشد و روز دیگر پسران، تا همه فرصت حضور و خدمت پیدا کنند.»



نیز در این نشست خبری با تأکید بر اینکه بخش سوختگی به نوعی یک موضوع حاکمیتی در درمان است، افزود: «در بخش خصوصی فعالیت و حضور در حوزه سوختگی را نمی‌بینیم و هر آنچه برای ارائه خدمات درمانی داریم عمدتاً در بخش دولتی است. از این‌رو این بخش از حیث مشارکت‌پذیری خیرین اهمیت زیادی دارد و باید در اولویت باشد، زیرا در سایر بخش‌های درمانی حضور و مشارکت نگاه‌های اقتصادی و خیرین را شاهد هستیم، اما در بخش سوختگی به دلیل گرفتاری‌های پیچیده درمانی بیماران حضور جدی این عوامل را نداریم.»
بیمارستان سوانح سوختگی در غرب آسیا را خواهیم داشت. به همین منظور پوشش جان‌نور را نشانازی کرده‌ایم تا اطلاع‌رسانی مناسبی در خصوص نیاز به کمک خیرین برای کمک به درمان بیماران سوختگی در قالب بازسازی بیمارستان مطهری و تکمیل ساخت بیمارستان باب‌الحوایج صورت پذیرد.» بنا به تأکید ده‌مرده‌ای در مقایسه با کشورهای پیشرفته میزان سوختگی در کشور ما به دلیل عدم رعایت کامل نکات ایمنی چندین برابر است.

■ سوختگی؛ موضعی حاکمیتی

سعید جعفری، مشاور دانشگاه علوم پزشکی ایران در امور خیرین گفته رئیس بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری در پی حملات، میسراران این مرکز درمانی به بیمارستان حضرت فاطمه منتقل شدند.

وی در عین حال به ساخت بیمارستان سوختگی باب‌الحوایج در غرب تهران اشاره و تصریح کرد: «حدود ۲۰ سال است که این بیمارستان دارد ساخته می‌شود و دولت قدم‌هایی برای تکمیل آن برداشته‌است، اما اگر به ساخت آن کمک شود، مجهزترین و استانداردترین بیمارستان سوانح سوختگی در غرب آسیا را خواهیم داشت. به همین منظور پوشش جان‌نور را نشانازی کرده‌ایم تا اطلاع‌رسانی مناسبی در خصوص نیاز به کمک خیرین برای کمک به درمان بیماران سوختگی در قالب بازسازی بیمارستان مطهری و تکمیل ساخت بیمارستان باب‌الحوایج صورت پذیرد.» بنا به تأکید ده‌مرده‌ای در مقایسه با کشورهای پیشرفته میزان سوختگی در کشور ما به دلیل عدم رعایت کامل نکات ایمنی چندین برابر است.

■ سوختگی؛ موضعی حاکمیتی
سعید جعفری، مشاور دانشگاه علوم پزشکی ایران در امور خیرین

رقابت می‌کنند تا کودک کانی که برای امام‌حسین(ع) و عزیزانشان اشک می‌ریزند.»

■ این سفره، سفره برکت امام‌حسین(ع) است
ستایش دختر ۱۴ ساله‌ای است که از زبانه دیگری به این هیئت نگاه می‌کند: «ماه محرّم و مراسم خانه حنیفا را بسیار دوست دارم. یکی از زیباترین بخش‌های این مراسم، همراهی خیرانی است که برای تهیه پرچم‌ها، کتیبه‌ها و سیاهی‌های عزاداری به ما کمک می‌کنند. هزینه شربت، جای، کیک و سایر اقلام پذیرایی نیز بسیاری اوقات توسط افرادی تأمین می‌شود که شاید هرگز ما را از نزدیک ندیده باشند.»

و بعد جمله‌ای را نقل می‌کند که بارها از مسئولان مجموعه شهیداست: «جامع دانه‌کار خلیفه می‌گوید این سفره، سفره برکت امام حسین(ع) است و هیچ‌گاه هیش نمی‌ماند.» شاید متفاوت‌ترین بخش عزاداری خانه حنیفا، دسته عزاداری آن باشد. ستایش می‌گوید: «ما دسته عزاداری نیز داریم، اما دسته ما با بسیاری از دسته‌های دیگر متفاوت است. در اطراف خانه حنیفا تا چندین کیلومتر عزاداری وجود ندارد که از مقابل آن عبور کنیم و برای ساکنانش عزاداری کنیم. بیشتر اوقات این درختان، جاده‌ها و آسمان هستند که شاهد عزاداری ما می‌شوند. با این حال، این دسته را بسیار دوست دارم. پرچم‌های بزرگ را برمی‌داریم، طبل می‌زیم و به راه می‌افتیم. در آن لحظات احساس می‌کنیم امام‌حسین(ع) نگاه مهربانش را متوجه ما کرده‌است.»

در میان تمام این سادگی‌ها، رؤیایی هم در دل بچه‌های حنیفا جوانه زده‌است، رؤیای بزرگ‌تر شدن خانه‌ای که امروز مأمن آنهاست. ستایش می‌گوید: «گاهی با خادم فکر می‌کنیم که اکنون محل برگزاری هیئت ما بسیار ساده است، اما امیدوارم روزی مدرسه و مجموعه حنیفا بزرگ‌تر شود و مکان دائمی و مناسبی برای فعالیت‌هایمان داشته باشیم. آن روز می‌توانیم هیئتی بزرگ‌تر برگزار کنیم، هیئتی که هر شب میزبان کودکان و مهمانان بیشتری باشد و بتوانیم پیش از امروز در مسیر خدمت به امام‌حسین(ع) گام برداریم.»

شاید خانه حنیفا روی نقشه، نقطه‌ای کوچک باشد، شاید جمعیت هیئت آن با جمعیت بسیاری از هیئت‌های بزرگ قابل مقایسه نباشد، اما وسعت دل‌های حاضران در آن یکی از زیبایی‌ترین عمیق از هیئتشان برایمان ترسیم می‌کند: «هیئت ما شاید بزرگ نباشد، اما آنچه در آن جریان دارد، از صمیم قلب و با اخلاص شکل می‌گیرد، از خادم‌های کوچکی که برای خدمت کردن با یکدیگر

روایت دل‌تنگی

دنیاعیوضی

نذر کتاب به یاد رهبر شهید کتابخوان

انگشتنام روی جلد ظرفیت کتاب می‌اغز یدۀ کتلیی که‌از قفسه‌چوب‌ساده‌ای در گوشه‌خیابان برداشته‌بودم. عنوانش «مهاجر سرزمین آفتاب‌بود». بود.

کتاب را‌باز کردم و چشم‌هایم روی جمله‌ای قفل شد.

«ایرانی نبودم. از خاور دور، از سرزمین خورشید تابان، آمده‌بودم. اما غرور شکسته‌شده‌ام در هیر و‌شیماء و ناک‌ازاکی را اینجا، هزاران کیلومتر دورتر از سرزمین مادری‌ام، باز یافتم.»

بوی کاغذ کاهی نوب‌اعطر اسپندی که در هوا پینچیده‌آمیخته‌می‌شد. بالای این غرفه کوچک و بی‌آلایش، پارچه‌سیاهی نصب شده‌بود که با خطی خوش و سفید رویش نوشته بودند: «نذر کتاب؛ به یاد رهبر شهید کتابخوان». غرفه، جز برای‌از آرامش بود در میان طوفانی از جمعیت. کمی که عقب‌تر می‌رفتم، شهر چهره دیگری داشت. خیابان‌ها حالا به کانون خروشان تفکر تبدیل شده‌بودند. شب‌های محرم بود و با شهادت «آقا» در نهم اسفندماه، و از غبار آنخت و نخت و پرتاب‌جنگ رمضان این داغ با عزای سیدالشهدا گره خورده‌بود. پرچم‌های سیاه در کنار پرچم‌های سرخ انتقام و سبز انتظار، در یاد گرم شبانه به اهتزاز در آمده‌بودند. صدای طبل‌ها و سنج‌ها که از دور دستت به گوش می‌رسید، گویی ضرب‌هایتگ قلب امیدوار شهر بود. هر قدم که در این خیابان برمی‌داشتم، تصویر آن جنگنده‌های منحوس متجاوز در ذهنم مرور می‌شد؛ همان‌هایی که در یک لحظه نابرابر، مردی را از ما گرفتند که سال‌ها، سنگر کلمه را هرا نکرد. غرفه را چند جوان بالنگیزه می‌گرداندند؛ بچه‌هایی که خودشان هم در دنیای نشر فعال بودند و از غبار کاغذ، رنگین‌کمانی از امید ساخته‌بودند. به یکی از آنها که در حال مرتب کردن قفسه کتاب‌های زندگینامه شهیدان بود، اشاره کردم. او که متوجه نگاه پرسشگر من شد، نزدیک آمد تا در هیاهوی مداحی‌ها، صدایمان به هم برسد. به او گفتم: «من در روزنامه جوان، یادداشتی با عنوان روایت دل‌تنگی می‌نویسم؛ دل‌تنگی‌ها و سوز دل مردم این سرزمین برای آقای شهیدمان. شما هم که اینجا نذر کتاب دارید، از دل‌تنگی خودتان بگویید.»

جوان لب‌خندی زد که ره‌هایی از غم و غرور در آن موج می‌زد. نگاهش را به چراغ‌های ارزان خیابان دوخت و گفت: «روایت خوبی است. می‌دانی، دل‌تنگی ما برای آقا، شبیه به خواندن فصل‌های پایانی یک رمان حماسی است که با هر صفحه، بیشتر به آن وابسته‌می‌شوی. هر چه به روزهای آکاسپاری نزدیک می‌شویم، این دل‌تنگی در سطرهای زندگی‌مان برجسته‌تر می‌شود. ما هم مثل خواننده‌های که کتابی را دست می‌گیرد و نمی‌خواهد به جمله‌ی آخر برسد، نمی‌خواهیم باور کنیم که آن صفحه‌های طلایی به پایان رسیده‌است و آقا در کنار ما نیست.»

او ادامه داد: «آقا برای ما بیش از یک رهبر سیاسی، یک استاد مطالعه بود. او به ما یاد داد که چطور کتاب را نه به عنوان یک کالای تزئینی، که به عنوان سلاحی برای اندیشیدن در دست بگیریم. هنوز خاطره آن روز‌ها در ذهنمان هست که چطور با فروتنی از عادت دیرینه‌اش می‌گفت؛ اینکه سالانه ده‌ها کتاب را با دقت تمام زیر و رو می‌کرد. او حلاوت و شیرینی این خواندن را به ما چشاند. او با ما موخت که حتی در سخت‌ترین شرایط جنگ، کتاب خواندن، اکسیژن روح است.» حرف‌هایش که به این‌جا رسید، سکوت عجیبی میان ما حکمفرما شد. گویی صدای مداح از دور دست‌ها کمرنگ شده‌بود. آقا، در تمام سال‌های رهبری‌اش، کتاب را از روی میز کارش دور نکرد. او با همان دست‌هایی که نقشه‌های راهبردی را ترسیم می‌کرده‌ورق‌های کتاب را باطلم‌آینه‌می‌گرداند. آن جوان راست می‌گفت؛ ما رسم‌ایستادن را از لایه‌لایه همین ورق‌ها موختم.»

از غرفه که فاصله گرفتیم، نگاهم دوباره به پرچم‌های افراشته گره خورد. حالا بیش از همیشه‌اطمینان دارم آقا هنوز زنده‌است، نه فقط در قاب مکتب‌های خیابان و در قفسه کتاب‌های ما، در دل‌های ما و تفکری که از او موختم. یاد جمله آخر آن مرد در غرفه کتاب افتادم که زیر لب زمزمه کرد: «آقا! از همان جایی که در بهشت موعود، در جوار سالار شهیدان ما! او گرفته‌اید، برای ما هم دعا کنید. ما مراسم کتابخوانی شما را به یادگار نگه می‌داریم. ما شما را خیلی دوست داریم و تا آخرین صفحه، به عهدی که با ارمان‌هایتان بستیم، وفادار می‌مانیم.» شب از نیمه گذشته بود، اما چراغ غرفه «نذر کتاب» هنوز روشن بود؛ چراغی که به یاد آقای کتابخوان ما، در دل خیابان‌های عزادار، امید آرامش می‌کرد.

خبر کوتاه



آغاز ثبت‌نام اربعین ۱۴۰۵

در سامانه «سماح» از ۹ تیر ماه

ستاد مرکزی اربعین از آغاز ثبت‌نام زائران در سامانه «سماح» از ۹ تیرماه خبر داد.

ستاد مرکزی اربعین در اطلاعیه شماره یک خود برای اربعین سال ۱۴۰۵، آغاز ثبت‌نام داوطلبان شرکت در مراسم معنوی اربعین امسال را در سامانه «سماح» از سه‌شنبه نهم تیر اعلام کرد.

متن این اطلاعیه به این شرح است:

ستاد مرکزی اربعین حسینیه ضمن عرض تسلیت به مناسبت فرا رسیدن

ایام سوگاری شهادت سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله‌الحسین(ع) و شهادت عاشورا بی‌عبد صالح خدا، رهبر حکیم و فرزانه ملت عزیز ایران و

پیشوای امت اسلامی حضرت آیت‌الله‌المظلم امام‌خمنت‌های(رحمت‌الله‌علیه)، به اطلاع متقاضیان زیارت اعیاب مقدسه در ایام اربعین حسینی می‌رساند:

۱- ستاد مرکزی اربعین در سال ۱۴۰۵ در تاسی از رهنمودهای امام شهید امت، برنامه‌ریزی لازم به منظور برگزاری سفرگی «سهل»، ایمن، ارزان و عزت‌مندانه؛ را سرلوحه خود قرار داده‌است.

۲- آغاز ثبت‌نام داوطلبان شرکت در مراسم معنوی اربعین ۱۴۰۵ در سامانه «سماح» به آدرس الکترونیکی **www.samah.haj.ir** از ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ مقرران ۱۵ محرم سال ۱۴۴۸ هجری قمری اعلام می‌شود.

۳- به منظور به‌یمنندی از هر گونه خدمات ضروری، دریافت از زیارتی، حمل و نقل و بیمه برای زوار اربعین، ثبت‌نام در سامانه سماح الزامی است؛ بنابراین زائران محترم در موعد مقرر نسبت به ثبت‌نام در این سامانه اقدام کنند.

۴- عملیات اعزام زائران گرمای از سوم مردادماه هم‌زمان با دهم ماه صفر آغاز، و تا ۱۵ مردادماه هم‌زمان با ۲۲ ماه صفر اعلام می‌شود.

۵- پوشش بیمه‌ای زائران توسط شرکت بیمه ایران در مدت زمان ایام اربعین ۱۴۰۵ ارائه می‌شود.

۶- ثبت‌نام در سامانه سماح با پرداخت حق بیمه و پس از دریافت تأییدیه(کد رهگیری)، بیمه‌نامه و کارت شناسایی زائر، پایان می‌یابد.

۷- لازم به ذکر است کلیه اطلاع‌رسانی‌های رسمی این ستاد در پیام‌رسان‌های داخلی از طریق آدرس **@setadarbaeen.ir** انجام می‌شود.

۸- توجه به توصیه‌های مندرج در سامانه سماح برای تمامی متقاضیان شرکت در مراسم اربعین، مورد تأکید ستاد مرکزی اربعین است.